

## سنجش میزان انگیزش به کار و عوامل مؤثر بر آن

### (مورد جوانان و زنان روستایی روستاهای استان آذربایجان شرقی)

علیرضا محسنی تبریزی، محمد میرزایی

مقاله حاضر براساس بخشی از اطلاعات مأخوذ از پیمایش جوانان و زنان روستایی در روستاهای استان آذربایجان شرقی تنظیم یافته است جامعه آماری را ۱۱۷۹۸ خانوار روستایی ساکن در ۶۰ روستای استان آذربایجان شرقی تشکیل می‌دهد. براساس قواعد تعیین حجم نمونه ۲۴۰ نفر از جوانان و زنان روستایی به طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای با دقت احتمالی مطلوب ۵٪ ( $d = 0.05$ ) و ضریب اطمینان ۹۵ درصد انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق و نیکویی برازش مدل تحلیلی نشان می‌دهد:

- میزان انگیزش به کار برحسب گروه‌های سنی آزمودنی‌ها تغییر می‌کند.
- با افزایش میزان انانومی (بی‌هنجاری اجتماعی)، انگیزش به کار در آزمودنی‌ها کاهش می‌یابد.
- انگیزش به کار با افزایش نیاز به موفقیت (N-Ach) در آزمودنی‌ها افزایش می‌یابد.
- میان انگیزش به کار و جنسیت رابطه معنی‌داری به دست نیامد. بدین ترتیب انگیزش به کار برحسب جنسیت تغییر نمی‌کند.
- میزان انگیزش به کار برحسب وضعیت اجتماعی-اقتصادی (SES) پاسخگویان تغییر می‌کند.
- میزان انگیزش به کار با افزایش انگیزه اقتصادی در آنان افزایش می‌یابد.
- احساس خوداثربخشی همخوانی معناداری با انگیزش به کار نشان می‌دهد.

با توجه به نیکویی برازش مدل تحلیلی از طریق کاربرد رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نتایج حاصل نشان می‌دهد که برحسب ارزش بتا (Beta) متغیرهای نیاز به موفقیت، انگیزه اقتصادی، فردگرایی، آرزوها و ترس جیحات شغلی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، رضایت از زندگی، انانومی اجتماعی و التزام به کار به‌عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر انگیزش به کار مطرح‌اند. کلید واژگان: انگیزش به کار، انانومی، نیاز به موفقیت، انگیزه اقتصادی، آرزوی شغلی.

### مقدمه

یکی از عوامل مهم در رشد و توسعه هر جامعه‌ای عامل کار و نیروی انسانی است. از این رو اغلب صاحب‌نظران توسعه نیروی انسانی و کمیت و کیفیت و نحوه بهره‌گیری از آن را یکی از عمده‌ترین شاخص‌های رشد و توسعه جوامع به‌شمار آورده‌اند (مانفرد، ۱۹۶۶؛ کورمن، ۱۹۸۹؛ میدگلی، ۱۹۹۳، آتزیونی، ۱۹۷۶).

در قلمرو علوم انسانی، علی‌الخصوص در حوزه‌های جامعه‌شناسی کار و شغل و مکاتب روان‌شناسی صنعتی، مفهوم کار، طبیعت و ماهیت آن، کارکردها، آثار و نتایج آن، عوامل موجه و متغیرهای تأثیرگذار بر آن و نقشی که کار، تولید و آفرینندگی در حیات اجتماعی انسان ایفا می‌کند از ابعاد و جهات مختلف مورد تدقیق و تحقیق قرار گرفته است.

اقتصاددانان لیبرالی چون کلسن (۱۹۲۴) و برگسن (۱۹۴۸) به کار با عنایت به کارکرد اقتصادی و صفت مفید بودن آن نگریسته و مدعی شده‌اند که کار به‌طور عمده از طریق هدف‌ها و فواید خود و ارزش محصولی که خلق می‌کند مشخص می‌گردد. از دیدگاه آنان کار استفاده از نیروهای مادی و معنوی در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات است (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۷).

به نظر فلاسفه اجتماعی چون بیکن، دکارت، فریدمان و مارکس، ویژگی کار انسان قبل از هر چیز در ساختن و سازمان دادن به مبارزه با طبیعت در یک چارچوب اجتماعی نهفته است. فرانسیس بیکن کار و پیشه را «انسان به اضافه طبیعت» تعریف می‌کند. کارل مارکس (۱۹۳۶) کار را اساساً تغییراتی می‌داند که «انسان با استفاده از عقل و فنون در طبیعت به وجود می‌آورد». او در کتاب *سرمایه* می‌نویسد: «کار مجموعه اعمالی است که انسان به کمک مغز، دست، ابزار و ماشین برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می‌دهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان اثر می‌گذارند و او را تغییر می‌دهند (مارکس، ۱۹۶۳).

وقتی کار از نگرش درونی مطالعه می‌شود کلیه عوامل و متغیرهایی که به نوعی در ایجاد، ترویج و توسعه انگیزش‌ها و تمایلات به کار و نیز درونی کردن<sup>۱</sup> فرهنگ و اخلاق کار و توجه به کمیت و کیفیت کلیه عوامل اجتماعی و فردی مؤثراند مورد توجه قرار می‌گیرد. در این میان فرهنگ و محیط‌های اجتماعی نظیر محیط‌های مذهبی، آموزشی و خانوادگی تأثیری به مراتب بیشتر از سایر عوامل دارند. زیرا هر عامل در بستر فرهنگ و در قالب آن است که تحقق می‌یابد و در پروسه اجتماعی شدن<sup>۲</sup> به تدریج نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها و افکار و هنجارهای اجتماعی در افراد درونی می‌کند و تمایلات را در آنان ایجاد می‌نماید و به تهییج و فعالیت مداوم وامی‌دارد

1. Internalization

2. Socialization

و بالأخره انگیزش به کار و فعالیت و تلاش و رقابت و میل به کوشش و مجاهدت را در افراد به شکل امری نهادینه شده تقویت کرده و توسعه می‌دهد.

نتایج بسیاری از تحقیقات (استورم و دیویدکیت، ۱۹۸۹؛ هرسی و بلانچارد، ۱۹۸۶؛ جی مایکل لوبوف، ۱۹۹۴ و...) در چند دهه گذشته در کشورهای توسعه‌نیافته و جهان سوم نشانگر پایین بودن انگیزش به کار و موفقیت، بی‌میلی و بی‌اشتهایی به فعالیت اقتصادی، تولید و احساس ناامیدی، احساس ناتوانی، فتور و بدبینی به آینده و نظایر آن در بین نیروی کار بالقوه علی‌الخصوص جوانان و زنان است. فرنهام (۱۹۹۰) نقش عوامل درون‌زا را در بروز چنین وضعیتی دخیل و مؤثر می‌داند. عوامل درون‌زا نیز بسته به شرایط محیطی، فرهنگی و اجتماعی است. انسان‌ها در بسترهای مختلف فرهنگی و در محیط‌های اجتماعی گوناگون رشد و نمو می‌یابند، آداب، عادات، رسوم، روش‌ها، منش‌ها، تمایلات، رفتارها و انگیزش‌های متعددی را فرامی‌گیرند و در سایه چنین خاستگاهی است که نگرش فردی، تعهد به انجام دادن کار و تلاش، انضباط کاری، آگاهی به کار و نهایتاً وجدان و فرهنگ جان می‌گیرند و رشد می‌یابد. در این میان عوامل متعددی از قبیل ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و منزلت اجتماعی فرد را تحت‌تأثیر قرار داده و موجبات تضعیف یا تقویت آن می‌گردند و در لوای آن نقش دولت و مشروعیت آن، نقش رسانه‌های ارتباطی، نقش گروه‌های اجتماعی، نقش خانواده و ساختار آن، نقش گروه‌های مذهبی، نقش مدرسه و محتوای آموزشی و نقش فرهنگ، ادبیات و هنر، هر کدام به‌نوعی بر تقویت و تهییج انگیزش به کار تأثیر می‌گذارند.

تحقق و دستیابی به توسعه تنها در قالب توسعه مادی امکان‌پذیر نیست، بلکه دستیابی به آن به یک جنبش همگانی و فراگیر نیازمند است. همان‌گونه که در حرکت به سوی توسعه سعی می‌شود که عوامل مادی تا حد ممکن در کنار هم قرار گیرند تا بهترین نتایج حاصل آید، استفاده از نیروی انسانی نیز مستلزم آن است که این نیرو به حد کافی دارای انگیزش و اشتیاق به کار و آفرینندگی و سرشار از تلاش برای ساختن و تولید و سازندگی باشد. عامل نیروی انسانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه چنان‌چه نتواند به حد کافی بهره‌وری داشته باشد، کل پروسه توسعه را تحت‌تأثیر قرار داده و حرکت آن را کند یا متوقف می‌سازد. لذا توجه به کلیه عواملی که ضمن توسعه انگیزش و تعهد به کار، التزام به هنجارهای نقش و میل به پیشرفت و نیاز به موفقیت<sup>۱</sup>، سخت‌کوشی، اهتمام و رقابت سرسختانه را در افراد ایجاد و تقویت می‌نماید

---

1. Need for Achievement

حائز اهمیت است. این خود وظیفه همه جوامعی است که به رشد و توسعه پایدار می‌اندیشند و پایداری توسعه را در توسعه انگیزش به کار، سخت‌کوشی، تلاش، مجاهدت، بداعت و عشق به کار و تولید، برنامه‌ریزی، تحقیق و شناخت امکانات عینی نهفته، نیازسنجی، ایجاد زیرساخت‌های لازم اقتصادی و عرضه فرصت‌های شغلی می‌دانند.

### طرح و تعریف مسئله

مفهوم انگیزش که در متون روان‌شناسی مترادف با مفاهیمی نظیر کشش، میل، نیاز، احتیاج، سائق، رغبت، اراده و نظایر آن به کار رفته است (تایلور<sup>۱</sup>، پیلو<sup>۲</sup> و سیرز<sup>۳</sup> ۲۰۰۰، بارون<sup>۴</sup>، باین<sup>۵</sup> و واتسون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱؛ کلاین برگ ۱۳۷۲ و...) مأخوذ از واژه لاتین "mover" به معنی حرکت است و در زبان انگلیسی به آن "motivation" می‌گویند. در فرهنگ معین معانی انگیزختن، انگیزیدن، تحریک، ترغیب و تحریص برای این مفهوم آورده شده است (معین، ۱۳۷۷: ۳۹۳-۴).

هرسی و بلانچارد انگیزش را اراده و میل به انجام دادن کار تعریف کرده‌اند. برای آنان انگیزه‌ها چراهای رفتارند که نه تنها به آغاز و استمرار فعالیت در آدمی کمک می‌کنند، بلکه در تعیین جهات کلی رفتار نقش دارند. از طرفی انگیزه‌ها و نیازها را توأمان از عوامل و دلایل اصلی عمل یا رفتار آدمی باید به‌شمار آورد (۱۸:۱۳۷۳). هرسی و بلانچارد تأکید می‌کنند که در باب مفاهیم به هم بسته و پیوسته انگیزش و نیاز باید توجه داشت که این دو مفهوم نباید با ضرورت آنی یا هیچ نوع خواست عاجل چیزی تداعی شود، بلکه معنی آن‌ها صرفاً چیزی است در درون فرد که او را به عمل وادار می‌کند (هرسی و بلانچارد، ۱۳۷۲: ۱۸-۱۹).

و روم<sup>۷</sup> فراگرد حاکم بر گزینش‌هایی از سوی افراد را که از میان شکل‌های گوناگون فعالیت ارادی به عمل می‌آید، در تعریف انگیزش منظور کرده است (به نقل از سیترز و پورتر، ۱۳۷۲: ۷). از نظر کمپل<sup>۸</sup> و پریچارد<sup>۹</sup> انگیزش با یک دسته پیوندهای متغیر مستقل و وابسته که جهت، وسعت و دوام رفتار را تبیین می‌کنند و آثار، استعداد، مهارت و فهم وظیفه را ثابت نگاه می‌دارند و نیز بازدارنده‌هایی که در محیط عمل می‌کنند مربوط است (همان: ۷).

1. Taylor
3. Sears
5. Byrne
7. Vroom
9. prichard

2. Peplah
4. Baron
6. Watson
8. Campbell

اتکینسون<sup>۱</sup> نیز انگیزش را تأثیر همزمان (بلافاصله) در هدایت، قوت و تداوم کنش تعریف کرده است (همان: ۷-۸).

بخشی از تلاش روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی متوجه توجیه ماهیت انگیزش و نیز عوامل مؤثر بر آن بوده است.

جامعه‌شناسان متعلق به نحله‌های ناتورالیستی<sup>۲</sup> نظیر تقلیل‌گرایی<sup>۳</sup>، اثبات‌گرایی<sup>۴</sup>، تجربه‌گرایی<sup>۵</sup>، مکانیک‌گرایی<sup>۶</sup>، رفتارگرایی<sup>۷</sup>، مارکسیسم ساختی و نظایر آن وجود هر نوع انگیزش را در رفتار انسانی مستقل از عوامل بیرونی و محرک‌های خارجی و وجدان جمعی و قواعد و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی نفی کرده و آن را با طبیعتی اجتماعی در نظر آورده‌اند. مثلاً پارتو<sup>۸</sup> با نفی هر نوع انگیزش در رفتار انسانی مدعی است نمی‌توان رفتار آدمی را از طریق انگیزش‌ها شناخت، بلکه باید به مثابه یک ناظر نه عامل کنش‌های انسانی را برحسب منطقی یا غیرمعمول بودن اهداف، منطقی یا غیرمنطقی بودن وسایل، وجود یا نبود رابطه منطقی بین اهداف و وسایل نیل بدان‌ها طبقه‌بندی کرد (آرون، ۱۳۶۳: ۱۱-۱۰۷). دورکیم نیز رفتار آدمی را مستقل از انگیزش‌های فردی و تابع وجدان جمعی و قواعد بیرونی دانسته است. به‌زعم وی همه رفتارهای فردی با تقلیل آن‌ها به پدیدار (واقعیت) اجتماعی<sup>۹</sup> که مستقل از وجود افراد هستند، بر افراد تحمیل می‌شوند و وجودشان قائم به خود است و قابل تبیین و شناخت‌اند (همان: ۱۴-۱۱۲). مارکس نیز معتقد است رفتارهای انسان‌ها را در هر دوره تاریخی نمی‌توان از طریق انگیزه‌ها و اندیشه‌های آن‌ها شناخت، بلکه علت رفتارها را باید در ورای انگیزه‌ها یعنی شرایط عینی بیرون از فرد و در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، شکل‌بندی‌های اقتصادی، شیوه‌های تولید، روابط تولید و شکل مالکیت ابزار و وسایل تولید تبیین کرد. از این‌رو انگیزه‌ها و افکار تابع شرایط عینی و جبر تاریخ و به‌ویژه معیشت افراد هستند (آرون، ۱۳۶۲: ۱۱۴-۱۲۴).

علت‌گرایان نیز رفتار آدمی را پدیده‌های طبیعی تلقی کرده و در تبیین آن به دنبال علت‌ها و نه انگیزه‌ها و دلایل هستند. به‌زعم آنان علت مجموعه شرایط (لازم و کافی) بیرون از ذهن افراد است که وجود آن موجب ایجاد معلول می‌شود. مثلاً افزایش تقاضا موجب

1. Atkinson
3. Reductionism
5. Empricism
7. Behaviorism
9. Social Fact

2. Naturalism
4. Positivism
6. Mechanicisim
8. Pareto

افزایش قیمت‌ها و یا بی‌عدالتی سبب بروز نارضایتی و قطع عصب بینایی سبب کوری می‌گردد.

در مقابل مکاتب جامعه‌شناختی ناتورالیستی، مکاتب تفهیمی جامعه‌شناسی قرار دارند. آنان مدعی‌اند اراده و انگیزه در حیات انسانی مبین رفتارها و کنش‌های آدمی است و لذا فهم و درک معانی عمل و نه دستیابی به قوانین علمی در باب آن‌ها هدف اصلی علم جامعه‌شناسی به‌شمار می‌آید (رتیرز، ۱۳۷۸: ۲۵-۴۷).

گروهی از جامعه‌شناسان نظیر پارسنز<sup>۱</sup> که از صاحب‌نظران مکتب تفهیمی-تبیینی محسوب می‌شوند معتقدند که رفتار کنش معنی‌دار و هدفمند است که هم تابع انگیزه‌ها، هنجارها، باورها و ارزش‌های افراد و هم تابع شرایط عینی، ابزارها و وسایل و اهداف است (۱۹۷۶: ۸۳). مکاتب روان‌شناسی نیز از مناظر مختلف در تبیین انگیزه و ماهیت و عوامل مؤثر بر آن کوشیده‌اند.

در نظریه‌های غریزه<sup>۲</sup>، انگیزش مترادف با میل و حالتی روانی-نظری تعریف گردیده است. مک دوگال<sup>۳</sup> و جیمز<sup>۴</sup> از پیشگامان این مکتب‌اند. در نظریه‌های سائقه<sup>۵</sup> از طرف دیگر فرض غایی آن است که تصمیم‌های مبتنی بر رفتار تا اندازه زیادی برپایه پیامدها یا پاداش رفتارهای گذشته استوار است.

هال<sup>۶</sup> از نظریه‌پردازان مکتب سائقه، سائقه را اثر نفوذ انرژی‌زایی که شدت رفتار را تعیین و از لحاظ نظری با سطح محرومیت افزایش می‌یابد تعریف می‌کند و عادت را نیرومندی پیوند میان محرک گذشته و پاسخ تعریف می‌نماید. هال معادله (عادت × سائقه = نیروی انگیزشی) را برای بیان پاسخ ارگانیسم به محرک آنی وضع کرده است (سیترز و پورتر، ۱۳۷۲: ۱۶-۱۹).

نظریه‌های شناختی از سوی دیگر انگیزش را از دیدگاه نوعی لذت‌جویی در آینده مورد توجه قرار داده‌اند. در این نظریه‌ها رفتار دارای منظور، هدف و مقاصد آگاهانه است. تالمن<sup>۷</sup> و لوین<sup>۸</sup> از نظریه‌پردازان این مکتب نیروی انگیزشی را تابع ضربی دو متغیر انتظارها<sup>۹</sup> و والانس‌ها<sup>۱۰</sup> تلقی می‌کنند:

ارزش × انتظار = نیروی انگیزشی

- |                   |                      |
|-------------------|----------------------|
| 1. Parsons        | 2. Instinct Theories |
| 3. Mc Dougal      | 4. James             |
| 5. Drive Theories | 6. Hull              |
| 7. Tolman         | 8. Lewin             |
| 9. Expectations   | 10. Valances         |

از نظر آنان انتظاراتها به باورهای افراد از این‌که اقدامات خاص از سوی آن‌ها به پیامدهای معینی خواهد انجامید، اطلاق می‌شود و والانس عبارت است از مقدار ارزش مثبت یا منفی که از جانب فردی به پیامدها داده می‌شود (سیترز و پورتر، ۱۳۷۲: ۱۹-۲۲).  
با توجه به عدم اجماع جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در باب ماهیت، علل و معادل‌های مفهومی انگیزش، برخی از صاحب‌نظران (دانت و کرچر، ۱۹۸۴) پیچیدگی مفهوم را در چند زمینه توضیح داده‌اند:

۱. انگیزه‌ها فقط فهمیده می‌شوند ولی دیده نمی‌شوند.
۲. هر کنش ممکن است ناشی از چند انگیزه باشد.
۳. انگیزه‌ها ممکن است در شکل‌های مبدل با چهره و حالت دیگری آشکار شوند.
۴. چندین انگیزه با کارها و کنش‌های همانند ممکن است ظاهر شوند.
۵. انگیزه‌های همسان ممکن است با رفتارهای متفاوت معنی شوند.
۶. انگیزه‌ها طبیعتی پویا و سیال دارند.
۷. نوع و ماهیت انگیزه‌ها و برتری نسبی آن‌ها برحسب افراد مختلف متفاوت است.
۸. تأثیرات دستیابی به هدف بر انگیزه‌ها و کنش‌های بعدی مؤثراند (سیترز و پورتر، ۱۳۷۲: ۱۰).

مقاله حاضر ضمن توجه به برداشت‌های متفاوت از مفهوم انگیزش در مکاتب جامعه‌شناسی و روان‌شناسی کوشیده است که با رویکردی التقاطی<sup>۱</sup> و با طراحی مدل تلفیقی که در پرتو نظریه‌های مطروح شده تدوین شده است ضمن تست مدل نظری به سنجش انگیزش به کار در نمونه‌ای از جوانان و زنان روستایی بپردازد.

مطالعه و بررسی تجربی انگیزش به کار در جامعه روستایی ایران حائز اهمیت است. خصوصاً کار کشاورزی، فلاح، دامداری، باغداری و فعالیت‌های تولیدی مرتبط با روستا کانون توجه است. تجربه چند دهه گذشته در ایران نشان داده است که جمعیت کثیری از روستاییان از مناطق روستایی به شهرها مهاجرت کرده‌اند. گرچه دلایل متعددی را دال بر مهاجرت روستاییان به شهرها نظیر افزایش جمعیت، ناتوانی بخش کشاورزی در جذب و اداره زندگی اقتصادی جمعیت اضافی، فقدان یا فقر زیرساخت‌های عمده توسعه انسانی، بیکاری، فقر اقتصادی، تجربه زمینه‌های جدید فعالیت اقتصادی، جست‌وجوی تحصیلات عالی و نیل به

فرصت‌های زندگی بهتر می‌توان برشمرد، مع‌الوصف دانسته نیست که اولاً، میزان انگیزه به کارهای کشاورزی و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با روستا در روستاییان خصوصاً جوانان و زنان روستایی چه میزان است و حتی با وجود زمینه‌های فعالیت و فرصت‌های اشتغال در بخش کشاورزی برای آنان، آیا تمایل و میل قوی به این امور در آنها وجود دارد یا خیر؟ ثانیاً، عوامل مؤثر بر انگیزش به کار به‌طور عام (اعم از کارهای کشاورزی یا دیگر) در آنان کدام‌اند؟ و ثالثاً، به‌طور خاص انگیزش به فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با روستا در جوانان و زنان روستایی متأثر از چه عوامل و شرایط است؟

اطلاعات تجربی مورد استفاده در مقاله حاضر عمدتاً مأخوذ از تحقیقی پیمایشی است که در سال ۱۳۸۱ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران تحت عنوان «بررسی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی اشتغال‌زایی و کارآفرینی برای زنان و جوانان مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی» انجام پذیرفته است.<sup>۱</sup>

استان آذربایجان شرقی با توجه به قابلیت‌ها، امکانات و استعدادهای متنوع اقتصادی و منابع تولیدی خصوصاً در بخش کشاورزی در زمره استان‌های مهم کشور محسوب می‌شود. بخش کشاورزی استان آذربایجان شرقی علی‌رغم پاره‌ای از محدودیت‌های موجود از جمله ناکارآمدی نیروی کار خصوصاً از بعد مهارت‌های فنی، دانش علمی و توانایی بهره‌گیری از تکنولوژی مدرن، پایین بودن بازدهی انتقال و مصرف آب، عدم توسعه مکانیزاسیون و بهره‌گیری مطلوب از ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی، عدم تعادل دام با ظرفیت مراتع و منابع تأمین خوراک دام، مهاجرت نیروی کار و تحصیل‌کرده و جوان روستایی به مناطق شهری اطراف و شهرهای بزرگ و ناتوانی بخش کشاورزی در جذب و اداره زندگی اقتصادی جمعیت اضافی، استان و... چه از نظر اشتغال و چه از نظر تولید محصولات زراعی، باغی، دامی از موقعیت خاصی برخوردار است.

مقایسه میان مناطق روستایی آذربایجان شرقی با مناطق روستایی کل کشور بیانگر آن است که شاخص‌های نیروی انسانی و اشتغال در مناطق روستایی آذربایجان شرقی از میانگین مناطق روستایی کل کشور وضعیت مناسب‌تری دارد. مناطق روستایی آذربایجان شرقی نسبت بستگی و بار تکفلی کمتر، میزان فعالیتی بیشتر و میزان بیکاری به مراتب کمتری از مناطق روستایی کل کشور داشته است.

۱. محسنی تبریزی، علیرضا، میرزایی، محمد، «بررسی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و روانی اشتغال‌زایی و کارآفرینی برای زنان و جوانان مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی»، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.



در استان آذربایجان شرقی نیز مناطق روستایی چون بسیاری از استان‌های کشور علاوه بر مواجهه با رشد سریع جمعیت با مسئله اشتغال و چگونگی جذب نیروی کار و خلق فرصت‌های شغلی و زمینه‌های جدید فعالیت اقتصادی روبه‌رو هستند. در این میان کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان و زنان روستایی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

نسبت بالای جمعیت روستایی در استان به همراه ناتوانی روستاها در جذب و اداره زندگی اقتصادی جمعیت اضافی استان آذربایجان شرقی را برخلاف بسیاری از استان‌های کشور به منطقه‌ای مهاجرفرست تبدیل نموده که جابه‌جایی‌های جمعیتی آن نه فقط در درون استان بلکه از داخل استان به خارج از استان نیز کشیده است.

در کشورهای در حال توسعه و یا توسعه‌نیافته، به واسطه اهمیت عامل انگیزش به کار در حیات اقتصادی و اجتماعی این جوامع و به‌مثابه نوعی شاخص برای تمایل و آمادگی روانی و درونی فرد به فعالیت، کار، تولید، سخت‌کوشی، سبقت‌جویی، ریسک‌پذیری و رقابت سرسختانه و به‌طور کلی گرایش مثبت افراد به کار، این مفهوم به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی در مباحث جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی توسعه این جوامع مطرح شده است. به‌طوری‌که اغلب صاحب‌نظران مسائل توسعه کشورهای در حال توسعه ورود به مدار توسعه‌یافتگی، دوام، قوام، استمرار و حصول به توسعه پایدار را در ایجاد، حفظ و تقویت اخلاق و فرهنگ تولید و آفرینندگی و انگیزه و روحیه فعالیت و سخت‌کوشی در مردمان این جوامع دانسته‌اند.

مقاله حاضر بدین ترتیب ضمن توسعه مقیاس<sup>۱</sup> سنجش انگیزش به کار در جامعه مطالعاتی در پرتو مبانی نظری رابطه منفرد عوامل مؤثر بر آن را مورد تدقیق قرار می‌دهد. لزوم توجه به تحلیل چند متغیره انگیزش به کار از آن جهت است که پدیده‌ها و واقعیت‌های انسانی و اجتماعی دارای تأثیر و تأثر متقابل<sup>۲</sup> هستند و شبکه‌ای از مناسبات و روابط پیچیده بر آن‌ها حاکم است. از این‌رو توجه صرف به روابط دو متغیره<sup>۳</sup> و تکیه بر قدرت تبیین آن‌ها کفایت نمی‌کند. زیرا با توجه به این اصل که بسیاری از همبستگی‌های میان یک متغیر وابسته و یک متغیر مستقل ظاهری و جعلی است، استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه<sup>۴</sup> ضرورت می‌یابد. بدین ترتیب این مقاله می‌کوشد نتایج رگرسیون چندگانه را که در پیمایش انجام شده تأثیرات شبکه‌ای، جمعی و همزمانی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته انگیزش به کار را اندازه‌گیری کرده

1. Scale  
3. BiVariate

2. Interactive  
4. Multiple Regression

است عرضه نماید. از این طریق علاوه بر تعیین میزان تأثیر هریک از متغیرهای مستقل، میزان کل تغییرات متغیر وابسته (انگیزش به کار) که توسط مجموع متغیرها بیان می‌شود بررسی می‌گردد.

از طرفی، مقاله حاضر با استفاده از نتایج تحلیل مسیر<sup>۱</sup> انجام شده در پیمایش مربوط به بررسی زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، جمعیتی و روان‌شناختی کارآفرینی و ایجاد اشتغال در روستاهای استان آذربایجان شرقی می‌کوشد اثرات مستقیم و غیرمستقیم هریک از متغیرهای مستقل را بر روی متغیر انگیزش به کار بررسی نموده و از این طریق میزان متناسب بودن مدل و الگوی نظری ارائه شده را ارزیابی نماید.

### مبانی نظری انگیزش

مروری بر مبانی نظری و تئوری‌های مرتبط با انگیزش به کار آشکار می‌سازد که این پدیده از دیدگاه‌ها و نحله‌های فکری مختلفی در مکاتب و حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و مدیریت مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته است.

در حوزه‌های جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی آرای صاحب‌نظرانی نظیر دورکیم و پارسنز، ماکس وبر و هوزولیتز<sup>۲</sup> زمینه‌های تئوریک مناسبی را در خصوص نقش ساختارهای فرهنگی و اجتماعی در توسعه اقتصادی و انگیزش به تولید و کار فراهم می‌آورد.

امیل دورکیم انگیزش به کار را نه امری فردی بلکه واقعیتی اجتماعی در نظر می‌گیرد و برخلاف وبر معتقد است که انگیزش به کار نه از درون فرد بلکه از بیرون و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی به وجود می‌آید. دورکیم به دنبال راهی جامعه‌شناسانه جهت ایجاد و تقویت اخلاق حرفه‌ای پایدار است.

ماکس وبر جامعه‌شناس مکتب تفهومی با نفی وجود وجدان جمعی یا ذهن گروهی<sup>۳</sup> ریشه‌های حاکمیت انگیزش و میل به کار را در اخلاق پروتستان و تعالیم کالوین و لوتر می‌بیند. به نظر وبر پروتستانیسیم با تبلیغ ارزش‌های فرهنگی جدیدی که مبتنی بود بر سخت‌کوشی، رقابت، ریاضت و قناعت مادی، پرهیز از اسراف و اعراض از راکد گذاشتن سرمایه، کار کردن و تولید را تشویق و تنبلی و سستی و فتور را تقبیح نمود و انسان‌ها را به تلاش و فعالیت و سخت‌کوشی در امور اقتصادی و کنش‌های معطوف به اهداف مادی تشویق و ترغیب کرد. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۴۹).

1. Path Analysis

2. Hoselitz

3. Group Mind

هوزولیتز نیز با رویکردی جامعه‌شناختی مدعی است که انگیزش به کار تابعی از ساخت اجتماعی و رشد اقتصادی است، به طوری که کشورهای در حال توسعه در فرآیند نوسازی<sup>۱</sup> ناگزیر از طرد الگوهای سنتی که مانع رشد انگیزش به کار و پیشرفت‌اند و پذیرش الگوهای مدرن که تقویت‌کننده ارزش‌ها و تمایلات و انگیزش‌های پیشرفت و کار و تولیداند می‌باشند (هوزولیتز، ۱۹۶۴: ۱۶).

در حوزه روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی نیز انگیزش به کار با رجوع به عوامل و متغیرهای فردی و روان‌شناختی و یا با توجه به تأثرات متقابل عوامل اجتماعی و فردی تعریف و تبیین می‌شود.

زیگموند فروید<sup>۲</sup> پیشگام مکتب روانکاوی با تأکید بر نقش تعیین‌کننده متغیرهای درونی و روانی در رفتار معتقد است که انسان در رفتار خویش مغلوب و مقهور نیروهای سرکش درونی و غریزی است (لیوف، ۱۹۹۳: ۲۷).

نظریه میچل در خصوص مکانیسم ایجاد و توسعه انگیزش به کار نیز به‌عنوان یک نظریه روان‌شناختی اجتماعی ضمن تأکید بر این اصل که انگیزش به کار آموختنی است به مکانیزم‌های ایجاد و توسعه آن با رویکردی روان‌شناختی اجتماعی و از سه طریق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد سیستم‌های پاداش و جامعه‌پذیری سازمانی می‌پردازد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۵۳).

بالآخره نظریه لرنر<sup>۳</sup>، اینکلس<sup>۴</sup> و مک‌کله‌لند<sup>۵</sup> در باب نوسازی انسان به‌عنوان نظریه‌های روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مرتبط با انگیزش به کار می‌کوشند نشان دهند تحرک روانی، انگیزش‌ها و نیاز به موفقیت نقش عمده‌ای در تحولات و توسعه اجتماعی بازی می‌کنند. دانیال لرنر بیشتر متوجه مشارکت، تحرک روانی و توسعه است. او در واقع مشارکت را علت پیدایی ویروس ذهنی و تحرک روانی در جامعه می‌داند.

الکس اینکلس نیز به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان مکتب نوسازی کوشیده است ضمن شناخت ویژگی‌های انسان مدرن، نوسازی را کلید توسعه پایدار تلقی نماید. از نظر وی آموزش، تربیت، ترویج و فرهنگ پیشرو، شهرنشینی، وسایل ارتباط جمعی، دولت ملی، بوروکراسی کارا و صنعت و تأسیسات تولیدی مدرن از عوامل مهم در نوسازی انسان و از محرکه‌های عمده در کار و تولید و فعالیت آدمی است.

1. Modernization

2. Frued

3. Lerner

4. Inkeles

5. Mc Clelland

مک‌کله‌لند نیز با رویکردی روان‌شناختی می‌کوشد نشان دهد چگونه منشأ همه تحولات و تغییرات در شکل توسعه و نوسازی انسان انگیزش‌های اوست. نیرویی که از درون انسان را به سمت تغییر و دگرگونی و توسعه رهنمون است. وی این نیرو را N-Ach<sup>1</sup> یا ویروس ذهنی می‌نامد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۴).

### الگوی نظری تحقیق

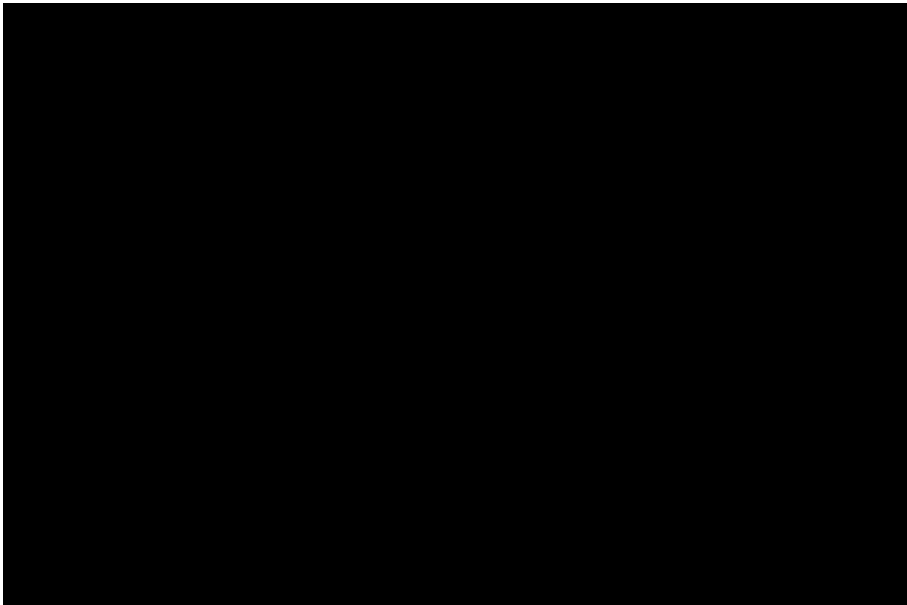
مطالعاتی که تاکنون در خصوص انگیزش به تولید و فعالیت اقتصادی و از طریق تنظیم و تدوین مدل‌های تبیینی و توصیف روابط علی میان انگیزش به کار به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر متغیر وابسته صورت گرفته است در حد توصیف روابط جزئی‌تر این متغیرهای علی (Y, X) بوده است و کمتر به تحلیل رگرسیون چند متغیره پرداخته‌اند. در مطالعات مربوط به روابط علی، مواردی لازم می‌آید که مقدار تأثیر مستقل هر متغیر علت (X) بر متغیر معلول (Y) و نیز روابط متعامل میان هریک از متغیرهای علت را با استفاده از ضرائب رگرسیون نشان داد.

رگرسیون چند متغیره بر این اصل استوار است که مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل تا چه حد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند (دواس، ۱۳۷۶: ۲۲۱). در تحلیل رگرسیون چند متغیره هرچه واریانس تبیین شده توسط یک رشته متغیر مستقل بیشتر باشد قدرت تبیین مدل بیشتر است.

با عنایت به مبانی نظری انگیزش به کار و در پرتو نظریه‌های امیل دورکیم، ماکس وبر، تالکوت پارسنز، آدریان فورن‌هام، آبراهام کورمن، رابرت کول، دیوید مک‌کله‌لند، لرنر، اینکلس، ترنس آرمیچل، توماس لیپینگ، رابینز و دیگران و نیز اعتبار متغیرهایی که در جریان تحلیل دو متغیره محققان پیشین (کیت دیویس و نیو استورم، ۱۳۷۰؛ رابرت کول، ۱۹۹۰؛ آبراهام کورمن ۱۳۷۰؛ وایت‌هیل، ۱۹۸۴؛ مایکل لیوف، ۱۹۹۳؛ فرنهام، ۱۹۹۰ و...) معنی‌دار شناخته شده بودند می‌توان با ارائه الگوی نظری انگیزش به کار را تحت تأثیر عواملی چند فرض کرد:

---

1. Need to Achievement



### نمودار شماره ۱. الگوی نظری روابط علی میان متغیر وابسته انگیزش به کار و متغیرهای مستقل اثرگذار

در الگوی نظری ارائه شده متغیرهای نیاز به موفقیت (N-Ach)، SES و انگیزه اقتصادی که با یکدیگر روابط متعامل دارند، از طریق متغیرهای ترجیحات شغلی، رضایت از زندگی، فردگرایی، التزام به کار و احساس خود اثربخشی با واسطه بر انگیزش به کار تأثیرگذارند. کورمن (۱۳۷۰ و فرنهام، ۱۹۹۰). متغیر ترجیحات و آرزوهای شغلی از طریق متغیرهای التزام به کار، رضایت از زندگی، احساس خود اثربخشی و فردگرایی بر انگیزش به کار تأثیر می‌گذارد (فرنهام ۱۹۹۰؛ کوهن، ۲۰۰۰ و...). متغیر رضایت از زندگی هم به‌طور بی‌واسطه و مستقیماً بر متغیر انگیزش به کار اثر می‌گذارد و هم از طریق متغیرهای SES و احساس خود اثربخشی بر متغیر وابسته (انگیزش به کار) تأثیرگذار است. متغیر احساس خود اثربخشی<sup>۱</sup> نیز هم به‌طور بی‌واسطه و هم به‌طور باواسطه بر متغیر انگیزش به کار تأثیر می‌گذارد. این متغیر از طریق متغیرهای SES، ترجیحات شغلی، رضایت از زندگی، انومی اجتماعی و جنسیت متغیر وابسته را متأثر می‌سازد (فرنهام، ۱۹۹۰؛ کورمن، ۱۳۷۰؛ کوهن، ۲۰۰۰). متغیر التزام به کار نیز هم به‌طور مستقیم بر

1. Self-Efficacy

انگیزش به کار تأثیرگذار است (موس کانتز، ۱۹۹۲؛ فرنهایم، ۱۹۹۰) و هم به طور غیرمستقیم از طریق متغیرهای ترجیحات شغلی، انگیزه اقتصادی و آنومی اجتماعی متغیر وابسته را متأثر می‌کند. متغیر فردگرایی نیز مستقیماً بر انگیزش به کار تأثیرگذار است. این متغیر همچنین از طریق متغیرهای ترجیحات شغلی، انگیزه اقتصادی و احساس خوداثربخشی بر انگیزش به کار تأثیر می‌گذارد (موس کانتز، ۱۹۹۲؛ کورمن، ۱۳۷۰؛ کوهن، ۲۰۰۰). آنومی اجتماعی نیز به طور باواسطه از طریق متغیرهای SES، احساس خوداثربخشی و التزام به کار بر انگیزش به کار اثر می‌گذارد.

این متغیر به طور مستقیم نیز انگیزش به کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد (موس کانتز، ۱۹۹۲). بالأخره متغیر جنسیت هم به طور مستقیم و هم از طریق متغیرهای فردگرایی، آنومی اجتماعی و احساس خوداثربخشی بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد (فرنهام، ۱۹۹۰؛ موس کانتز، ۱۹۹۲؛ کوهن، ۲۰۰۰).

## متدولوژی

### ۱. روش مطالعه

در بررسی تجربی زمینه‌های فرهنگی، جمعیتی، اجتماعی و روانی اشتغال‌زایی و کارآفرینی روستاییان روستاهای مناطق استان آذربایجان شرقی از روش پیمایش<sup>۱</sup> و روش اسنادی<sup>۲</sup> استفاده گردید. علت استفاده از این روش بنا به ماهیت موضوع، خصلت جامعه‌شناختی و روان‌شناختی اجتماعی آن، نوع جمعیت آماری و رویکردهای نظری و تجربی تحقیق که ضرورت استفاده از روش‌های توصیفی<sup>۳</sup> را ایجاد می‌کند بوده است. مزیت پیمایش به روش‌های دیگر در این نوع مطالعات در کارآمدی و قدرت توصیف مناسب ویژگی‌های واحدهای تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آن‌ها به کمک استنباطات علی است (دواس، ۱۳۷۶).

### ۲. جامعه آماری و روش نمونه‌یابی

در تحقیق اصلی از سه جامعه آماری طی سه مرحله مستقل نمونه‌گیری شده است:

۱. شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی برحسب میزان اشتغال مناطق روستایی هر یک

۲. روستاهای شهرستان‌های انتخاب شده در مرحله دوم

1. Survey

2. Documentary Method

3. Descriptive Methods

۳. زنان و جوانان خانواده‌های روستاهای انتخاب شده در مرحله دوم.

در مرحله اول، با احتساب میزان اشتغال مناطق روستایی روستاهای آذربایجان شرقی از طریق اطلاعات مأخوذه از شناسنامه آبادی‌های کشور مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ شهرستان‌های استان برحسب میزان اشتغال مناطق روستانشینان در سه طبقه بالا و متوسط و پایین طبقه‌بندی شده و از هر طبقه به تناسب تعدد شهرستان‌ها تعدادی به‌طور تصادفی انتخاب گردید. در مرحله دوم، با استفاده از قواعد آماری مربوط به تعیین حجم نمونه<sup>۱</sup> (روستاهای مورد مطالعه) اقدام گردید. با توجه به ۶۱۱ روستا و آبادی متعلق به شهرستان‌های منتخب (تبریز، جلفا، سراب و مراغه)، ۶۰ روستا از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای<sup>۲</sup> انتخاب شدند.

در مرحله سوم، پس از تعیین حجم نمونه روستاهای مورد مطالعه براساس تعداد کل خانوارهای روستاهای مزبور ( $N = 11798$ ) اقدام به تحدید آن از طریق فرمول شارپ و کوکران شد. بدین ترتیب حجم خانوارهای روستایی مورد مطالعه به ۲۴۰ خانوار ( $n = 240$ ) تقلیل یافت. سپس با طبقه‌بندی خانوارها براساس وضعیت اجتماعی-اقتصادی (SES) آنان و مالکیت زمین نمونه مورد نظر با دقت احتمالی مطلوب  $d = 5\%$  و ضریب اطمینان  $95\%$  ( $t = 1/96$ ) انتخاب شدند. نتایج به‌دست آمده از این نمونه با کمتر از ۵ درصد خطا به جمعیت کل تعمیم‌پذیر بود.

### ۳. تکنیک جمع‌آوری اطلاعات و ابزار سنجش

به لحاظ نوع روش مطالعه و تنوع و تعدد متغیرهای مورد تحقیق و گردآوری اطلاعاتی در باب واقعیت‌های ذهنی، نگرش‌ها، رفتارها و انتظارات و نیازهای جامعه روستایی، علی‌الخصوص فرهنگ کار، انگیزش به تولید و آفرینندگی و ترجیحات و آرزوهای شغلی زنان و جوانان روستایی از پرسشنامه هدایت شده<sup>۳</sup> نظرسنجی که به‌صورت کتبی-حضور در جامعه مورد مطالعه اعمال گردید استفاده شده است. در این تحقیق بالغ بر ۱۴ متغیر از طریق ساخت مقیاس و ساخت شاخص اندازه‌گیری شده است. جهت احتساب روایی مقیاس‌ها و شاخص‌ها از آلفای کرونباخ با دامنه صفر تا یک استفاده گردیده است. با توجه به مقادیر آلفای کرونباخ، مقدار  $\alpha$  برای همه شاخص‌ها محاسبه شده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات

$$n = \frac{Nt^2 p.q.}{Nd^2 + p.q.t^2} : (\text{Sharp \& Cochran, 1984})$$

۱. فرمول شارپ و کوکران

۲. Stratified Sampling

۳. Structured Questionnaire

و آزمون فرضیات و نیکویی برازش مدل تحلیلی از تست کی دو و ضریب پیرسون، رگرسیون چند متغیره<sup>۱</sup> و تحلیل مسیر استفاده گردیده است.

#### ۴. فرضیات تحقیق

با استعانت از مبانی نظری و مدل نظری تحقیق ۷ فرضیه که ناظر بر رابطه متغیر وابسته (انگیزش به کار) با هریک از متغیرهای مستقل در یک رابطه علی دو متغیره<sup>۲</sup> بود تدوین شد. این فرضیات عبارتند از:

فرضیه اول: میزان انگیزش به کار کشاورزی برحسب گروه‌های جنسی آزمودنی‌ها تغییر می‌کند.

فرضیه دوم: میزان انگیزش به کار برحسب گروه‌های سنی آزمودنی‌ها تغییر می‌کند.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد با افزایش میزان آنومی (بی‌هنجاری اجتماعی) در آزمودنی‌ها تمایل به کار کشاورزی در آنان کاهش می‌یابد.

فرضیه چهارم: انگیزش به کار کشاورزی با افزایش نیاز به موفقیت (N-Ach) در آزمودنی‌ها افزایش می‌یابد.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد میزان انگیزش به کار کشاورزی برحسب وضعیت اجتماعی اقتصادی (SES) پاسخگویان تغییر می‌کند.

فرضیه ششم: انگیزش به کار کشاورزی با افزایش انگیزه اقتصادی پاسخگویان افزایش می‌یابد.

فرضیه هفتم: به نظر می‌رسد با افزایش احساس خوداثربخشی در پاسخگویان انگیزش به کار کشاورزی در آنان افزایش می‌یابد.

#### تعاریف مفهومی<sup>۳</sup> و عملیاتی<sup>۴</sup> متغیرها

##### ۱. انگیزش به کار

تعریف مفهومی و عملیاتی انگیزش به کار در تحقیق حاضر بر تعریف هرسی و بلانچارد (۱۳۷۲) مبتنی است. آنان انگیزش را میل یا اراده فرد به انجام دادن کار معینی تعریف کرده‌اند. جهت سنجش میزان انگیزش به کار (کار کشاورزی) در آزمودنی‌ها از طیفی متشکل از ۷ گویه در قالب مقیاس لیکرت با ضریب روایی  $\alpha = 0.82$  استفاده شده است.

1. Multiple Regression

2. Bi-Variate

3. Conceptual Definition

4. Operational Definition



## ۲. نیاز به موفقیت

مفهوم انگیزش یا نیاز به موفقیت (N-Ach) که توسط مک‌کله‌لند روان‌شناس اجتماعی آمریکایی به کار رفته است به نیرویی اطلاق می‌شود که از درون انسان را به سمت تغییر، تحول، بهبودی و موفقیت و کامیابی اقتصادی رهنمون است. او این نیروی درونی را نیاز به موفقیت می‌نامد که نوعی ویروس ذهنی است و زمانی که ذهن آدمی بدان آغشته شد او را به طریق و روش خاصی از فکر و عمل وامی‌دارد که خطر جویی کند، کار کند، رقابت کند، پشتکار داشته باشد و... موفقیت اقتصادی را هدف خود بداند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۶۰).

جهت سنجش میزان نیاز به موفقیت در جامعه مورد مطالعه از طیفی متشکل از ۹ گویه در قالب مقیاس لیکرت و براساس شاخص‌های (Indicators) مک‌کله‌لند استفاده شده است. ضریب روایی مقیاس  $0.83$  ( $\alpha = 0.83$ ) محاسبه گردیده است.

## ۳. وضعیت اجتماعی-اقتصادی (SES)

SES به‌عنوان شاخصی تلفیقی مرکب از درآمد خانوار، سطح تحصیلات، نمره منزلت شغلی و میزان مایملک و دارایی پاسخگو نظیر ارزش مسکن، زمین، دام و... با ضریب روایی  $0.79$  ( $\alpha = 0.79$ ) سنجیده شده است.

## ۴. فردگرایی<sup>۱</sup>

فردگرایی که از مشخصات جامعه توسعه‌یافته و از ویژگی‌های نوسازی است (اینکلس، ۱۳۶۰؛ لوئیس، ۱۹۶۰؛ تاکس، ۱۹۶۳ و...) نشانگر تمایل فرد به تفوق اراده فردی، خودرأیی، تقسیم کار، خوداتکایی، آزادی‌های فردی، تحرک طبقه‌ای، رقابت، مالکیت فردی و تمتع و بهره‌مندی از امکانات و مواهب برحسب میزان تلاش فردی و توانایی‌ها و قابلیت‌ها و استعدادهای شخصی است. نتایج برخی مطالعات در برخی از مناطق روستایی آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا نشان می‌دهد که احساس مالکیت فردی در رابطه مستقیم با درجه توسعه‌یافتگی است و در مناطقی که روستاییان از میزان فردگرایی بالاتری برخوردارند، سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بالنسبه بالاست (تاکس، ۱۹۶۳؛ روزن، ۱۹۶۴؛ مک‌کله‌لند ۱۹۶۱؛ هوگولت، ۱۹۷۶ و... به نقل از ازکیا، ۱۳۷۰: ۴۷-۶۴).

جهت سنجش میزان فردگرایی در جامعه مورد بررسی از طیفی متشکل از ۶ گویه در قالب

1. Individualism

مقیاس لیکرت با ضریب روایی ۰/۸۱ استفاده شده است.

### ۵. آنومی اجتماعی<sup>۱</sup>

آنومی یا بی‌هنجاری به مفهوم عدول از قواعد و عدم متابعت از هنجارها و سنجه‌های رفتار اجتماعی است. بدین معنی که هنجارهای اجتماعی جنبه آمرانه و مطلوب خود را بر فرد آدمی از دست داده و فرد نمی‌تواند جهت رفتار خود را تعیین کند. بی‌هنجاری همچنین وضع ویژه‌ای است که در آن هنجارهای اجتماعی دچار پریشانی باشند و یا آن‌که هنجارها و معیارها با یکدیگر همساز نباشند و فرد برای هماهنگ شدن با آن‌ها دچار سرگشتگی شود. بدین‌گونه حالتی برای فرد پدید می‌آید که بر اثر آن به درون خویشتن خود پناه می‌برد و بدینانه همه پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۶۱-۶۲).

دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی اصطلاح آنومی را در اشاره به نوعی حالت اختلال، اغتشاش، گسیختگی و بی‌هنجاری در نظام جمعی به کار می‌برد. به نظر دورکیم آنومی اجتماعی مبین نوعی بی‌هنجاری جمعی است که در آن احساسات فرد با توجه به سیستم اجتماعی سنجیده می‌شود. زمانی که توازن اجتماعی وجود ندارد فرد فاقد وسیله لازم جهت تنظیم رفتار خود و تطبیق آن با معیارهای اجتماعی و نیز فاقد احساس حمایت جمعی و پشتیبانی گروهی است. در چنین حالتی فرد ممکن است دست به رفتاری نابهنجار زده و در غایت خود را از عضویت گروه خلع کند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۶۲).

جهت سنجش آنومی اجتماعی در جامعه مورد مطالعه (زنان و جوانان) از مقیاس استاندارد شده اسرول (Strole) استفاده شده است. ضریب روایی مقیاس ۰/۸۶ محاسبه گردیده است.

### ۶. رضایت از زندگی<sup>۲</sup>

شاخص رضایت از زندگی که مبین رضایت کلی پاسخگویان از ابعاد مختلف زندگی است شاخصی است مرکب و تلفیقی از چند شاخص به شرح زیر:

۱. شاخص رضایت از زندگی خانوادگی:

«آیا از زندگی خانوادگی خود راضی هستید؟»

۱. خیلی زیاد ۲. زیاد ۳. تا حدودی ۴. کم ۵. خیلی کم

۲. شاخص رضایت از مسکن:

1. Social Anomie

2. Life Satisfaction

«آیا از مسکن خود راضی هستید؟»

۱. خیلی زیاد ۲. زیاد ۳. تا حدودی ۴. کم ۵. خیلی کم

۳. شاخص رضایت از درآمد و اوضاع اقتصادی خانوار:

«آیا از درآمد و اوضاع اقتصادی خانوار خود رضایت دارید؟»

۱. خیلی زیاد ۲. زیاد ۳. تا حدودی ۴. کم ۵. خیلی کم

شاخص رضایت از زندگی شامل سه طبقه بالا، متوسط و پایین است که از میانگین نمرات شاخص‌های مزبور به دست می‌آید.

$$\text{رضایت از زندگی} = \frac{\text{شاخص ۱} + \text{شاخص ۲} + \text{شاخص ۳}}{۳}$$

آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس رضایت از زندگی ۰/۸۱ است.

#### ۷. تعهد به کار<sup>۱</sup>

تعهد به کار را میزان درونی شدن ارزش‌ها و هنجارهای نقش شغل در فرد تعریف کرده‌اند (پورتر، ۱۹۸۱: ۳).

در سنجش میزان تعهد شغلی آزمودنی‌ها از مقیاس موس کاتر (۱۹۹۲) و مقیاس مینه سوتا (۱۹۸۹) به صورت تلفیقی استفاده شده است. این مقیاس متشکل از ۷ گویه در قالب مقیاس لیکرت است. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این مقیاس ۰/۷۹ است.

#### ۸. انگیزه اقتصادی

به‌زعم برخی از صاحب‌نظران علی‌الخصوص علمای علم مدیریت جدید (تایلور، ۱۸۶۷؛ بریورمن، ۱۹۷۴ و...) انگیزه اقتصادی مهم‌ترین محرک کار و تولید است. آنان معتقدند که افراد در واحدها و مؤسسات تولیدی در همه سطوح و رده‌های شغلی باید بیاموزند که چگونه تولیدات خود را افزایش دهند، کیفیت کار خود را بالا ببرند و لاینقطع بر ولع خود نسبت به پاداش اقتصادی بیفزایند. به‌نظر این صاحب‌نظران مهم‌ترین وسیله برای نیل به این هدف پول و پاداش مالی است. خواست اولیه مردم این است که متناسب با تلاش و کوششی که می‌کنند دستمزد بگیرند و انتظار دارند که برای یک روز کار مناسب مزد مناسب بگیرند و ارزش تولیدشان متناسب با میزان و مقدار پاداشی باشد که در قبال تولید و کار خود دریافت می‌دارند

1. Work Commitment

(محسنی تبریزی، ۱۳۷۶: ۳۳). در سنجش میزان انگیزه اقتصادی روستاییان تحت مطالعه از مقیاس ۴ گویه‌ای تایلور در قالب مقیاس لیکرت و با ضریب روائی  $0.81$  ( $\alpha = 0.81$ ) استفاده شده است.

#### ۹. احساس خوداثربخشی

مفهوم احساس خوداثربخشی یا احساس کارآمدی شخصی که توسط آلبرت باندورا<sup>۱</sup> روان‌شناس آمریکایی توسعه یافت اشاره به انتظارات و ارزیابی‌های فرد از خود در موفقیت در یک کار یا رسیدن به هدف یا نتیجه ارزشمند از طریق فعالیت‌های فردی دارد. به نظر باندورا خوداثربخشی یک فرآیند ذهنی و ادراکی است که با مهارت‌های فردی سروکار ندارد، بلکه بر قضاوت‌های وی در مورد این‌که با مهارت‌هایش قادر به انجام دادن چه کاری است تأکید می‌کند (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۷: ۱۱۲).

جهت سنجش میزان احساس خوداثربخشی در جامعه مورد مطالعه از مقیاسی مشتکل از ۵ گویه در قالب مقیاس لیکرت و با ضریب روائی  $0.83$  ( $\alpha = 0.83$ ) استفاده شده است.

#### ۱۰. انتظارات، ترجیحات و آرزوهای شغلی<sup>۲</sup>

این متغیر انتظار فرد را از موقعیت شغلی، ترجیح فردی از پایگاه و موقعیت شغلی را که تحصیل خواهد کرد و نیز رغبت، خواست و آرزوی فرد را از پایگاه و موقعیت شغلی و حرفه‌ای که احراز خواهد نمود تبیین می‌کند (موس کانتر، ۱۹۹۲: ۱۱۰).

جهت سنجش میزان ترجیحات و آرزوهای شغلی آزمودنی‌ها از مقیاس ۶ گویه‌ای موس کانتر<sup>۳</sup> و مینه‌سوتا در قالب مقیاس لیکرت با ضریب روائی  $0.81$  ( $\alpha = 0.81$ ) استفاده شده است.

### یافته‌ها و نتایج

#### ۱. خصوصیات فردی

با عنایت به ویژگی‌های فردی پاسخگویان، اطلاعات حاصل از پیمایش روستاییان در روستاهای نمونه استان آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که حدود ۵۸ درصد آنان را مردان و ۴۲

1. Bandura
2. Work Expectations, Preferences and Aspirations
3. Moss Kanter

درصد آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. برحسب توزیع سنی بیشترین درصد متعلق به گروه سنی ۲۷-۲۹ سال با ۴۱ درصد و کمترین درصد متعلق به گروه سنی ۱۸-۲۰ سال با ۱۰ درصد است. از حیث وضعیت تأهل اطلاعات مأخوذ نشان می‌دهد که از نمونه تحت مطالعه ۵۳ درصد مجرد و ۴۶ درصد متأهل بوده‌اند. از حیث سواد، بیشترین درصد (۵۷ درصد) متعلق به پاسخگویان دارای تحصیلات در سطح مقطع راهنمایی است. حدود ۸ درصد دارای سواد در حد خواندن و نوشتن‌اند. ۳۱ درصد دارای مدرک دیپلم دبیرستان و ۴ درصد نیز از تحصیلات دانشگاهی بهره‌مندند. با توجه به وضعیت فعالیت و اشتغال پاسخگویان، حدود ۲۷ درصد شاغل، ۳۱ درصد خانه‌دار، ۱۳ درصد محصل و سرباز و ۲۹ درصد بیکار و یا در جست‌وجوی کارند. از حیث وضعیت اجتماعی-اقتصادی (SES) ۴۸ درصد در رده SES پایین قرار دارند. در مقابل ۴۰ درصد در رده SES متوسط قرار گرفته‌اند. کمترین درصد متعلق به گروه SES بالا با ۱۲ درصد است. با توجه به نوع شغل پاسخگویان شاغل، اطلاعات مأخوذه از پیمایش روستاییان نشان می‌دهد که ۳۱ درصد پاسخگویان به مشاغل کشاورزی، ۲۰ درصد به کارگری، ۱۷ درصد به دامداری، ۱۴ درصد به باغداری و ۱۸ درصد نیز به سایر حرف نظیر مشاغل آزاد، معلمی، کارمندی و مشاغل خدماتی اشتغال دارند.

## ۲. باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها

سنجش میزان انگیزش به کار از طریق کاربرد مقیاس ۷ گویه‌ای لیکرت نشانگر بالا بودن نسبی انگیزش به کار در جامعه مورد مطالعه است، به طوری که ۳۱ درصد دارای انگیزش بالا، ۴۷ درصد دارای انگیزش متوسط و ۲۲ درصد نیز دارای انگیزش پایین هستند. میزان تعهد و التزام به کار پاسخگویان از طریق کاربرد مقیاس ۷ گویه‌ای موس کانتر و مینه‌سوتا (۱۹۹۲) سنجیده شده است. براساس نتایج به دست آمده ۲۱ درصد از پاسخگویان دارای تعهد بالا به کار هستند. ۴۲ درصد التزام متوسطی به کار دارند و ۳۷ درصد نیز از حیث تعهد به کار در رده پایین هستند.

نتایج حاصل از پیمایش انگیزش به کار در جامعه مورد مطالعه مبین ترجیحات، انتظارات و آرزوهای شغلی و حرفه‌ای متنوع جوانان و زنان روستایی است: ۶۷ درصد از پاسخگویان مرد به مشاغلی که با فضای اقتصادی و حیات فرهنگی و اجتماعی جامعه روستایی تناسب و سنخیت دارد رغبت نشان داده‌اند اغلب به مشاغل کشاورزی، باغداری، دامداری، دکان‌داری و نظایر آن به‌عنوان حوزه فعالیت مورد انتظار و مرجح خود اشاره کرده‌اند. در مقابل ۲۴ درصد از مردان که اغلب مجرد و با تحصیلات بالنسبه بالا هستند به حرفی نظیر طبابت، مهندسی، خلبانی، معلمی

و مشاغل اداری و دفتری و خدماتی علاقه نشان داده‌اند. ترجیح شغلی زنان روستایی مورد مطالعه نیز بنا به غلبه ارزش‌های فرهنگ سنتی محدود و از دایره فعالیت‌ها، خدمات و مشاغلی که فرهنگ سنتی برای زنان تعریف و مقرر کرده است تجاوز نمی‌کند، به طوری که ۳۲ درصد به امور و فعالیت‌های خانه‌داری اشاره کرده‌اند.

۲۴ درصد مشارکت در امور کشاورزی، زراعت، باغداری، پرورش طیور و آبزیان را مورد توجه قرار داده‌اند. ۲۰ درصد نیز فعالیت در صنایع دستی را توصیه کرده‌اند و بالأخره ۱۷ درصد نیز ترجیح شغلیشان فعالیت در مشاغل حرفه‌ای و تخصصی نظیر معلمی، پرستاری، منشی‌گری، امور ترویج و نظایر آن است.

سنجش میزان انگیزه اقتصادی پاسخگویان براساس مقیاس تایلور نشان می‌دهد که انگیزه اقتصادی پاسخگویان بالاست به طوری که بالغ بر ۸۱ درصد آنان دارای انگیزه اقتصادی بالا هستند. قریب به ۱۸ درصد دارای نمره انگیزه اقتصادی متوسط بوده و تنها ۰/۵ درصد انگیزه اقتصادی پایین دارند.

بالغ بر ۴۶ درصد پاسخگویان خواهان نوعی استقلال مالی از طریق اشتغال در حرفه‌ای درآمدزا هستند. این تمایل در ۳۷ درصد پاسخگویان متوسط و در ۱۷ درصد بقیه نیز پایین است.

انگیزش به موفقیت و نیاز به پیشرفت در جامعه مورد مطالعه بالنسبه بالاست، به طوری که طبقه‌بندی نمرات آزمودنی‌ها در مقیاس اعمال شده نشان می‌دهد که حدود ۶۸ درصد دارای انگیزش بالا، ۲۳ درصد دارای انگیزش متوسط و ۹ درصد نیز دارای انگیزش پایین هستند.

نتایج حاصل از کاربرد طیف آنومی اسرول در جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد که میزان آنومی اجتماعی براساس رتبه‌بندی<sup>۱</sup> نمرات در سه طبقه بالا، متوسط و پایین به ترتیب ۳۰ درصد، ۴۴ درصد و ۴۶ درصد است. مع الوصف میزان آنومی اجتماعی مردان تقریباً دو برابر زنان روستایی است.

نتایج نظرسنجی از پاسخگویان در خصوص اعتقاد به برابری حقوق مردان و زنان نشان می‌دهد که حدود ۳۷ درصد به لزوم برابری زنان و مردان از حیث حقوق و موقعیت‌های اجتماعی و برخورداری از فرصت‌های بالنسبه مساوی و بهره‌مندی از امتیازات اقتصادی و

---

1. Ranking

اجتماعی یکسان باور دارند. در مقابل ۴۳ درصد گفته‌اند که تفاوت‌های وراثتی ضرورت تمیز جنسیتی را مطرح می‌کند و لذا به واسطه تفاوت‌های زیستی واقعی میان زنان و مردان، برابری در حقوق اجتماعی و موقعیت‌های اقتصادی بی‌معنی است.

با توجه به شاخص سنجش میزان رضایت از زندگی می‌توان گفت که براساس رتبه‌بندی نمرات در سه طبقه بالا، متوسط و پایین، به ترتیب ۱۳ درصد دارای رضایت بالا، ۳۶ درصد دارای رضایت متوسط و ۵۱ درصد نیز دارای رضایت پایین از زندگی خود هستند. مع‌الوصف با توجه به تفاوت جنسیتی، میزان نارضایتی مردان به نسبت دو برابر این میزان در زنان است (۶۶ درصد در مقابل ۳۲ درصد).

نتایج حاصل از کاربرد مقیاس ۶ گویه‌ای فردگرایی در جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیشترین درصد (۸۶ درصد) متعلق به پاسخگویانی است که در طبقه‌بندی نمرات مقیاس فردگرایی دارای میزان فردگرایی بالا هستند. در مقابل ۱۳ درصد دارای میزان فردگرایی متوسط و تنها ۱ درصد دارای میزان فردگرایی پایین هستند.

### نتایج حاصل از آزمون فرضیات

نتایج حاصل از آزمون فرضیات مربوط به رابطه دو متغیر انگیزش به کار (متغیر وابسته) با هریک از متغیرهای مستقل به شرح زیر است:

- براساس قانونمندی آزمون کای اسکوار و ارزش ضریب پیرسون محاسبه شده

$$\left( \begin{array}{l} x^2 \\ 4.32 \\ df = 2 \end{array} \right) \left( \begin{array}{l} x^2t \\ 5.99 \\ L.S.0.05 \end{array} \right)$$

نمی‌توان فرض تحقیق ( $H_1$ ) را که مبین تفاوت معنی‌دار میان جنسیت و انگیزش به کار است پذیرفت. بدین ترتیب می‌توان استدلال کرد که تفاوت معنی‌داری میان انگیزش به کار مردان و زنان تحت مطالعه وجود ندارد.

- ضریب پیرسون محاسبه شده مؤید ارتباط معنی‌دار میان انگیزش به کار و سن آزمودنی‌هاست

$$\left( \begin{array}{l} x^2 \\ 11.43 \\ df = 4 \end{array} \right) \left( \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L.S.0.05 \end{array} \right)$$

بدین ترتیب فرض ( $H_1$ ) را که ناظر بر تفاوت در میزان انگیزش به کار در گروه‌های سنی است می‌توان پذیرفت.

● نتیجه آزمون کی دو نشان می‌دهد با افزایش میزان آنومی (بی‌هنجاری اجتماعی) در آزمودنی‌ها، تمایل به کار در آنان کاهش می‌یابد.

$$\left( \begin{array}{l} x^2 \\ 14.44 \\ df = 4 \end{array} \right) \begin{array}{l} \searrow \\ \nearrow \end{array} \left( \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L.S.0.05 \end{array} \right)$$

● نتیجه آزمون کی دو نشان می‌دهد با افزایش نیاز به موفقیت در آزمودنی‌ها، تمایل آنان به کار نیز افزایش می‌یابد.

$$\left( \begin{array}{l} x^2 \\ 11.63 \\ df = 4 \end{array} \right) \begin{array}{l} \searrow \\ \nearrow \end{array} \left( \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L.S.0.05 \end{array} \right)$$

● ضریب پیرسون محاسبه شده مؤید ارتباط معنی‌دار SES و انگیزش به کار است.

$$\left( \begin{array}{l} x^2 \\ 16.41 \\ df = 4 \end{array} \right) \begin{array}{l} \searrow \\ \nearrow \end{array} \left( \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L.S.0.05 \end{array} \right)$$

براین اساس می‌توان استدلال کرد انگیزش به کار در افراد تابعی از وضعیت اجتماعی-اقتصادی (SES) آنان است.

● نتیجه آزمون کی دو نشان می‌دهد با افزایش انگیزه اقتصادی در پاسخگویان تمایل به کار و تولید در آنان افزایش می‌یابد.

$$\left( \begin{array}{l} x^2 \\ 30.89 \\ df = 4 \end{array} \right) \begin{array}{l} \searrow \\ \nearrow \end{array} \left( \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L.S.0.05 \end{array} \right)$$

● ضریب پیرسون محاسبه شده مؤید رابطه معنی‌دار احساس خوداثربخشی و انگیزش به کار است.

$$\left( \begin{array}{l} x^2 \\ 12.46 \\ df = 4 \end{array} \right) \begin{array}{l} \searrow \\ \nearrow \end{array} \left( \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L.S.0.05 \end{array} \right)$$



## نیکویی برازش الگوهای تحلیلی

### رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر

با عنایت به مبانی نظری انگیزش به کار و در پرتو نظریه‌های مطرح شده در بخش نظری و نیز اعتبار متغیرهایی که در جریان تحلیل دو متغیر معنی‌دار شناخته شدند، متغیر وابسته (انگیزش به کار) تحت تأثیر عوامل زیر در نظر گرفته شده است:

نیاز به موفقیت، انگیزه اقتصادی، ترجیح و آرزوی شغلی، احساس خوداثربخشی، التزام و تعهد به کار، رضایت از زندگی، فردگرایی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی (SES)، انومی اجتماعی و جنسیت.

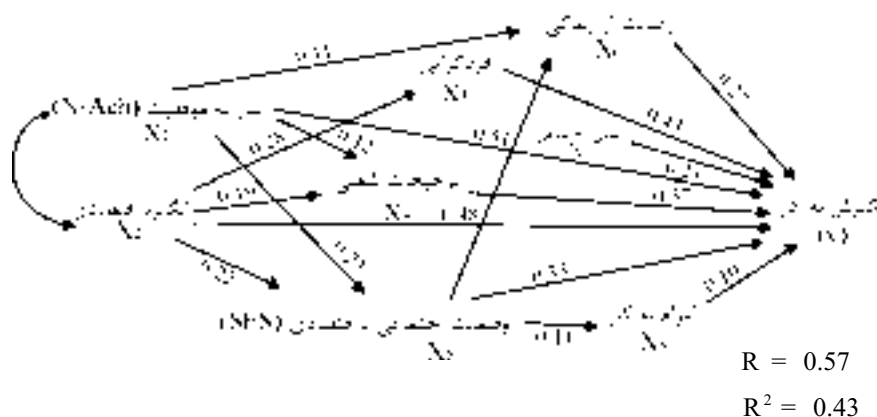
در جریان تحلیل رگرسیون چندگانه ۸ متغیر در سطح  $\alpha = 0/05$  در معادله باقی مانده و معنی‌دار تشخیص داده شدند و دو متغیر جنسیت و احساس خوداثربخشی از معادله حذف گردیدند.

نتایج حاصل از نیکویی برازش مدل تحلیلی از طریق کاربرد رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر (نمودار شماره ۲) نشان می‌دهد که با توجه به ضریب تأثیر متغیر مستقل (ضریب Beta)، ضریب همبستگی رگرسیون چندگانه (R)، ضریب تعیین (R<sup>2</sup>)، آزمون معنی‌داری حضور متغیر مستقل در معادله (T) و میزان معنی‌داری (Sig T)، متغیرهای نیاز به موفقیت، انگیزه اقتصادی، فردگرایی، ترجیحات و آرزوهای شغلی، التزام و تعهد به کار، رضایت از زندگی، انومی اجتماعی و SES به ترتیب به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر انگیزش به کار و انگیزش به تولید و فعالیت اقتصادی مطرح‌اند که بیشترین تغییرات متغیر وابسته (انگیزش به کار) را بیان می‌کنند.

میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر انگیزش به کار براساس ارزش Beta به شرح زیر است:

نیاز به موفقیت به میزان ۵۱ درصد، انگیزه اقتصادی به میزان ۴۸ درصد، فردگرایی به میزان ۴۳ درصد، آرزوی شغلی به میزان ۳۷ درصد، SES به میزان ۳۳ درصد، رضایت از زندگی به میزان ۲۷ درصد، انومی اجتماعی به میزان ۲۱ درصد و التزام و تعهد به کار به میزان ۱۹ درصد. براساس نتایج حاصل از مدل تبیینی تحلیل مسیر انگیزش به کار نیز می‌توان استدلال کرد که این متغیر متأثر از عوامل مختلفی است که در شبکه‌ای از روابط علی با یکدیگر و به صورت مرکب و مجموع قرار داشته و کل تغییرات آن توسط مجموع متغیرهای مستقل بیان می‌گردد. در این جدول متغیرهای نیاز به موفقیت، انگیزه اقتصادی، آرزوها و ترجیحات شغلی، فردگرایی، التزام به کار و انومی اجتماعی هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم بر متغیر وابسته تأثیر

می‌گذارند. متغیرهای رضایت از زندگی و تعهد به کار مستقیماً و بی‌واسطه با انگیزش به کار مرتبط‌اند. در این مدل انگیزش به کار بازتابی از تأثیرات متقابل متغیرهای علت و منتج از مجموع بازخوردهای این عوامل است.



نمودار شماره ۲. دیاگرام تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر انگیزش به کار

### نتیجه‌گیری

این مقاله که براساس بخشی از اطلاعات مأخوذ از پیمایش زنان و جوانان روستایی روستاهای استان آذربایجان شرقی به‌منظور بررسی زمینه‌های اجتماعی، جمعیتی، فرهنگی و روانی اخلاق و فرهنگ کار در یک جامعه روستایی تنظیم گردیده است به‌طور اخص به سنجش انگیزش به کار در جامعه تحت مطالعه و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است.

با استعانت از تعریف مفهومی و عملیاتی هرسی و بلانچارد انگیزش به کار در این تحقیق میزان یا درجه میل و اراده فرد به انجام دادن کار معینی (کار کشاورزی و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با روستا) تعریف گردیده است.

براساس نتایج به‌دست آمده، انگیزش به کار در جامعه مورد مطالعه بالنسبه بالاست. خصوصاً میل و اراده روستاییان مورد بررسی به انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با روستا و امور کشاورزی مؤید آن است که درصد بالایی از آنان به مشاغل کشاورزی راغب و میل و اراده لازم را برای این نوع فعالیت‌ها دارا هستند.

نتایج تحقیق همچنین نشانگر آن است که انگیزش به کار به‌عنوان متغیری وابسته با متغیرهای SES، سن، انگیزه اقتصادی، احساس خوداثربخشی، احساس نیاز به موفقیت و

آنومی اجتماعی همبستگی معنی‌داری دارد. مع‌الوصف اطلاعات تجربی حاصل از این تحقیق مؤید تأثیر متغیر جنسیت بر انگیزش به کار نیست، به‌طوری‌که میزان انگیزش به کار برحسب جنسیت پاسنخگویان تغییر نمی‌کند.

نتایج حاصل از نیکویی برازش و تناسب<sup>۱</sup> مدل تحلیلی از طریق کاربرد رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نشان داد که برحسب ارزش بتا (Beta)، متغیرهای نیاز به موفقیت، انگیزه اقتصادی، فردگرایی، آرزوها و ترجیحات شغلی، SES (وضعیت اجتماعی-اقتصادی)، رضایت از زندگی، آنومی اجتماعی و التزام به کار به‌عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر انگیزش به کار محسوب می‌شوند. بدین ترتیب اطلاعات تجربی مأخوذ از این تحقیق ضمن حمایت از مدل نظری تحقیق مؤید آن است که متغیر انگیزش به کار پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد زیادی متغیر با وزن‌های نسبی متفاوت وابسته است که در شبکه‌ای از روابط علی با یکدیگر به‌سر می‌برند و کل تغییرات آن را مجموع متغیرهای علت نشان می‌دهند. در این الگو انگیزش به کار در آزمودنی‌ها متأثر از متغیرهای احساس نیاز به موفقیت، انگیزه اقتصادی، فردگرایی، آرزوها و ترجیحات شغلی، SES، رضایت از زندگی، آنومی اجتماعی و التزام به کار و بازتابی از تأثیرات متقابل مجموعه‌ای از عوامل و منتج از مجموع بازخوردهای این عوامل است.

### منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۶۳). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام، انتشارات سمت: تهران. ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. انتشارات اطلاعات: تهران.
- اتزیونی، آمیتای. (۱۳۵۲). *سازمان‌های جدید*. ترجمه مسعود رجوی، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- اوکلی، پیترو و مارسدن، دیوید. (۱۳۷۰). *رهیافت‌های مشارکت در توسعه*. ترجمه محمودنژاد، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، چاپ اول.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی کار و شغل*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- دواس، ام. (۱۳۷۶). *پیمایش*. ترجمه هوشنگ نایی، نشر نی: تهران.
- دورکیم، امیل. (۱۳۴۳). *قواعد روش جامعه‌شناسی*. ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- دورکیم، امیل. (۱۳۵۹). *تقسیم‌کار اجتماعی*. ترجمه حسن حبیبی، تهران: قلم.
- ریتزر، جرج. (۱۳۷۸). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ساعتچی، محمود. (۱۳۶۹). *روان‌شناسی در کار، سازمان و مدیریت*. تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.

1. Goodness of Feat

- سیترز، ریچارد ام. و پورتر لیمان دبلیو. (۱۳۷۲). *انگیزش و رفتار در کار*. ترجمه سید امین امین‌الله علوی، تهران: انتشارات مرکز آموزشی مدیریت دولتی.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۲۹). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کورمن، آبراهام. (۱۳۷۰). *روان‌شناسی صنعتی و سازمانی*. ترجمه حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد.
- لیوف، مایکل. (۱۳۷۲). *بزرگ‌ترین اصل مدیریت در دنیا*. ترجمه مهدی ایران‌نژادی، تهران: انتشارات مؤسسه بانکداری.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۱). «بررسی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی اشتغال‌زایی و کارآفرینی برای زنان و جوانان مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی». دانشگاه تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۶). *بررسی علل ناآرامی، احساس نارضایتی و منازعات کارگزینی در محیط‌های صنعتی کشور*. تهران: معاونت امنیتی وزارت کشور.
- میچل، ترنس آر. (۱۳۷۳). *مردم در سازمان‌ها، زمینه رفتار سازمانی*. ترجمه حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد.
- معیدفر، سعید. (۱۳۷۷). *بررسی اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن*. تهران: پژوهشی در مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- معین، محمد. (۱۳۷۷). *فرهنگ فارسی معین*. جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نیواستورم، جان و دیویس کیت. (۱۳۷۰). *رفتار انسانی در کار*. ترجمه محمدعلی طوسی، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- هرسی، پاول و بلانچارد، کنت. (۱۳۷۳). *مدیریت رفتار سازمانی در استفاده از منابع انسانی*. ترجمه علی علاقه‌بند، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- Baron, R.A. Byrne, D. & Watson, G. (2001). *Explooinig Social Psychology*. Toronto: Pearson Education. Inc.
- Blalock, H. (1984). *Social Statistics*. N. Y. McMillan.
- Cohen, Aron (2000). "An Examination of the Relationship Between Commitment Forms nad Work outcomes". <http://www.Proquest.Com>: New York.
- Furnham, A. (1990). *Work As A Value*. London: McMillan.
- Hoselitz, B.F. (1964). "Social Stratification and Economic Development". *International Social Science Journal*, Vol. 16, No.2.
- Lerner, D. (1958). *The Passing of Traditioal Society*, Glencoe: Free Press.
- Marx, K. (1962). *Das kapital*. Vol, I. Harmondsworth: Penguin.
- Monfred, S. (1983). *Social Development*. 3rd, Edition. Little Brown and Company.
- Midgeley, J. (1968). *Community Participation*. London: Methuen.
- Moss Kanter, R. (1992). *Men and Women of Corporations*, N. Y: Bassic Books Inc.

- Parsons, T. (1976). *The Structure of Social Action*. N. Y: The Free Press.
- Parsons, T. (1988). *Essays In Sociological Theories*. Glencoe: The Free Press.
- Sharp, V. (1984). *Statistics for the Social Sciences*. Boston: Little Brown and Company.
- Talagune, A.B. (1985). "Operational Aspects of the Change Agents Program". Colombo: Ministry of Rural Development.
- Taylor, S.E., Peplau, L.A., & Sears, D.O. (2000) *Social Psychology*. New Jersey: Prentice Hall.
- Weiner, M. (1966). *Modernization, Dynamics of Growth*. NY: Basic Books, See "The Modernization of Man" By Alex Inkeles, pp.138-152.
- علیرضا محسنی تبریزی عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.  
mohsenitabrizi @ Yahoo.Com
- محمد میرزایی عضو هیئت علمی گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.  
mmirzaie @ chamran. ut.ac.ir